

سلسله درس های محدودیت

حلقه هفتم

# غنیت امام عصر علیہ السلام

دکتر سید محمد کبیری هاشمی



سرشناسه: بنی‌هاشمی، سید محمد، ۱۳۳۹  
عنوان و نام پدیدآور: غیبت امام عصر (عج): سلسله درس‌های مهدویت،  
حلقه هفتم / سید محمد بنی‌هاشمی،  
مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۹.  
مشخصات ظاهری: ۲۳۲ ص.  
شابک جلد هفتم: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۲۰۸-۴  
شابک دور: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۱۵۸-۲  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا.  
یادداشت: کتابنامه: همچنین به صورت زیر نویس.  
موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. احادیث، مهدویت.  
موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. غیبت، دعاها.  
رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۸ س ۸ ب ۲۳۴ / BP  
رده‌بندی دیوبی: ۴۶۲ / ۳۹۷  
شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۲۹۴۱۵

منیر

شابک ۴-۲۰۸-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸ - 4-208-539-964-978-ISBN

## غیبت امام عصر علیهما السلام

سلسله درس‌های مهدویت (۷)

سید محمد بنی‌هاشمی

ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر

نوبت چاپ: سوم / ۱۳۹۸

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

حروفچینی: شبیر / ۷۷۵۲۱۸۳۶

چاپ: بهمن

تهران، خیابان مجاهدین، چهارراه آیسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹  
تلفن و فاکس: ۷۷۵۲۱۸۳۶ (۶ خط)  
کانال تلگرام: telegram.mc/monirpub  
پست الکترونیک: info@monir.com  
اینستاگرام: monir\_publisher



این حلقه به نیابت از:

مرزبان حریم تشیع

شیخ مفید رحمۃ اللہ علیہ

به پیشگاه:

همسر باوفای خاتم الانبیاء صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم

حضرت خدیجہ کبری علیہا السلام

تقدیم می‌گردد.



## فهرست مطالب

۱۵	فصل اول: سابقه غیبت خلیفه الهی در زمین
۱۵	درس اول: غیبت حجّت‌های پیشین
۱۵	غیبت حضرت ادریس <small>علیه السلام</small>
۱۶	غیبت خلیفه (یا خلقای) الهی پس از حضرت نوح <small>علیه السلام</small>
۱۸	غیبت حضرت یوسف <small>علیه السلام</small>
۲۲	غیبت خلفای الهی پیش از ظهور حضرت موسی <small>علیه السلام</small>
۲۳	غیبت حضرت موسی <small>علیه السلام</small>
۲۶	درس دوم: پنهانی امام عصر <small>علیه السلام</small>
۲۶	معنای غیبت امام عصر <small>علیه السلام</small>
۲۹	خالی نبودن زمین از حجّت الهی
۳۱	توجه دادن امام عصر <small>علیه السلام</small> به غیبت‌های انبیا <small>علیهم السلام</small>
۳۷	درس سوم: پیشگویی‌های معصومین <small>علیهم السلام</small> در مورد غیبت امام عصر <small>علیه السلام</small>
۳۷	پیشگویی پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> در مورد غیبت امام دوازدهم <small>علیه السلام</small>
۴۰	پیشگویی امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> درباره غیبت امام عصر <small>علیه السلام</small>
۴۳	پیشگویی حضرت مجتبی <small>علیه السلام</small> نسبت به غیبت حضرت ولی عصر <small>علیه السلام</small>



ارزش و اهمیت نور ولایت امام عصر علیه السلام ..... ۸۶

امتحان حضرت آدم علیه السلام در خصوص ولایت امام عصر علیه السلام ..... ۸۷

امتحان حضرت ابراهیم علیه السلام در مورد ولایت امام زمان علیه السلام ..... ۹۱

درس هشتم: بهره‌مند شدن از نور ولایت (۲) ..... ۹۵

تفاوت مؤمنان در بهره‌مندی از نور ولایت امام غایب علیه السلام ..... ۹۵

سطح پایین و بالای بهره‌بردن از خورشید پشت ابر ..... ۹۷

رابطه دیدار امام غایب با معرفت ایشان ..... ۹۹

اولویت انجام وظیفه بر اهتمام نسبت به دیدن امام غایب علیه السلام ..... ۱۰۳

درس نهم: شوق دیدار ..... ۱۰۵

تذکرات نایب دوم امام زمان علیه السلام در مورد دیدار حضرت و شوق نسبت به آن ..... ۱۰۵

غیبت امام عصر علیه السلام خواست قطعی خداوند ..... ۱۰۹

ضرورت تسلیم نسبت به غیبت امام زمان علیه السلام ..... ۱۱۰

اهمیت زیارت امام علیه السلام در زمان غیبت ..... ۱۱۳

پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۷ تا ۹ ..... ۱۱۸

**فصل چهارم: اشتیاق و اهتمام برای دیدار امام غائب علیه السلام** ..... ۱۲۱

درس دهم: درخواست دیدار (۱) ..... ۱۲۱

دو گرایش افراطی و تفریطی در مورد شوق دیدار امام غایب علیه السلام ..... ۱۲۱

شوق دیدار امام عصر علیه السلام لازمه ولایت و محبت ایشان ..... ۱۲۵

استحباب دعا برای دیدار امام عصر علیه السلام در زمان غیبت ..... ۱۲۸

درس یازدهم: درخواست دیدار (۲) ..... ۱۳۱

اشکالات وارد شده بر تقاضای دیدار امام زمان علیه السلام در زمان غیبت ..... ۱۳۱

بررسی دلالت الفاظ دعاها بر دیدن امام زمان علیه السلام در زمان غیبت ..... ۱۳۲

تقاضای رؤیت امام عصر علیه السلام در زمان غیبت و ظهور ..... ۱۳۶

مطلوبیت تمّای رسیدن به خدمت امام زمان علیه السلام و دعا برای تحقق آن ..... ۱۳۹

پیشگویی پدر بزرگوار امام زمان علیه السلام در مورد غیبت فرزند خویش ..... ۴۴

پیشگویی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره دو غیبت آخرین جانشین خود ..... ۴۶

پیشگویی سال شروع غیبت امام عصر علیه السلام از ۴۰ سال قبل ..... ۴۷

پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱ تا ۳ ..... ۴۸

**فصل دوم: چگونگی ارتباط با امام عصر علیه السلام در زمان غیبت صغری و کبری** ..... ۴۹

درس چهارم: مقایسه دو غیبت صغری و کبری ..... ۴۹

تفاوت دو غیبت از جهت مدت زمان آنها ..... ۴۹

تفاوت دو غیبت از جهت نحوه ارتباط با امام غایب ..... ۵۲

ارتباط غیر مستقیم با امام علیه السلام در غیبت صغری ..... ۵۴

غیبت کامل و ناقص ..... ۵۷

درس پنجم: نیابت در غیبت کبری (۱) ..... ۵۹

جایگاه ممتاز نواب خاص امام زمان علیه السلام حتی در غیبت کبری ..... ۵۹

بسته بودن باب نیابت خاصه (تکالیف جدید) در غیبت کبری ..... ۶۲

معلوم بودن جایگاه امام علیه السلام برای برخی از خواص در هر دو غیبت ..... ۶۷

درس ششم: نیابت در غیبت کبری (۲) ..... ۷۱

عدم امکان ارتباط اختیاری با امام علیه السلام در غیبت کبری ..... ۷۱

ناشناخته بودن کارگزاران امام علیه السلام در زمان غیبت کبری ..... ۷۴

محدودیت‌های کارگزاران در ارتباط با مردم و امام علیه السلام ..... ۷۹

عنایت حضرت به مؤمنان بدون وجود راه ارتباطی ظاهری با ایشان ..... ۸۰

پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۴ تا ۶ ..... ۸۲

**فصل سوم: بهره‌وری از امام غائب علیه السلام** ..... ۸۳

درس هفتم: بهره‌مند شدن از نور ولایت (۱) ..... ۸۳

تشبیه امام غایب علیه السلام به خورشید پس ابر ..... ۸۳

۱۸۶	نظر علامه بحرالعلوم درباره مدعی رؤیت
۱۸۸	درس هفدهم: بررسی حجیت تشرفات
۱۸۸	تکذیب مدعی رؤیت در عمل
۱۹۱	عدم تمامیت دلیل بر تکذیب مدعی رؤیت
۱۹۲	تفاوت میان اثبات شرعی و احراز وجدانی
۱۹۳	حجیت یا عدم حجیت شرعی تشرفات
۱۹۸	پرسش های مفهومی از درس های ۱۴ تا ۱۷
۱۹۹	درس هجدهم: اعتماد و عدم اعتماد بر تشرفات
۱۹۹	معیارهای اعتماد بر تشرفات منقول
۲۰۲	نمونه ای از تشرفات قطعی در زمان غیبت کبری
۲۰۵	قرینه ای بر عدم جواز اعتماد به نقل تشرف
۲۰۶	لزوم احتیاط در اعتماد و عدم اعتماد بر حکایات تشرف
۲۰۹	<b>فصل ششم: بهره‌وری خواص از خورشید وجود امام عصر <small>علیه السلام</small></b>
۲۰۹	درس نوزدهم: راهی به سوی امام غایب <small>علیه السلام</small> (۱)
۲۰۹	باز بودن راه به سوی امام غایب <small>علیه السلام</small>
۲۱۱	اختصاص این راه به خواص
۲۱۳	سیره و سلوک خواص امام زمان <small>علیه السلام</small>
۲۲۰	درس بیستم: راهی به سوی امام غایب <small>علیه السلام</small> (۲)
۲۲۰	بطالان ادعای ارتباط با امام <small>علیه السلام</small>
۲۲۲	گناهان، سبب محجوب شدن از امام عصر <small>علیه السلام</small>
۲۲۵	رفع حجاب از نفس با تهذیب آن
۲۲۸	پرسش های مفهومی از درس های ۱۸ تا ۲۰
۲۲۹	فهرست منابع

۱۴۳	درس دوازدهم: پافشاری بر درخواست دیدار
۱۴۳	استحباب اصرار در دعا برای تقاضای دیدار امام زمان <small>علیه السلام</small>
۱۴۵	وظیفه مؤمن در صورت عدم استجابت دعا
۱۴۶	آفت شیفتگی شدید به امام زمان <small>علیه السلام</small>
۱۴۹	درس سیزدهم: آداب دیدار
۱۴۹	ذکر آداب و اعمالی برای تشرف خدمت امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۵۲	مراقبت بر یکی از تعقیبات نماز برای توفیق دیدار امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۵۵	تشرف صاحب مکیال خدمت حضرت ولی عصر <small>علیه السلام</small> فرجه
۱۵۷	عمل به وظیفه؛ بهترین راه رسیدن به فیض دیدار امام زمان <small>علیه السلام</small>
۱۶۲	پرسش های مفهومی از درس های ۱۰ تا ۱۳
۱۶۳	<b>فصل پنجم: بررسی حجیت تشرف به محضر امام زمان <small>علیه السلام</small></b>
۱۶۳	درس چهاردهم: ادعای رؤیت امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۶۳	خبر دادن از تشرف خدمت امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۶۵	تشرف سید بن طاووس به محضر حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۶۶	تشرف مرحوم علامه بحرالعلوم خدمت حضرت ولی عصر <small>علیه السلام</small>
۱۶۹	تشرفات میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی خدمت امام زمان <small>علیه السلام</small>
۱۷۳	درس پانزدهم: تصدیق یا تکذیب تشرفات
۱۷۳	تشویق به نقل قضایای متقن در تشرف خدمت حضرت <small>علیه السلام</small>
۱۷۵	عدم جواز تکذیب مدعی تشرف
۱۷۶	منظور از مشاهده ای که باید تکذیب شود
۱۸۱	درس شانزدهم: نقد و بررسی اصالت اشتباه و دروغ در مورد ادعای رؤیت
۱۸۱	برخورد صحیح با ادعای تشرف
۱۸۳	بررسی ادعای لزوم تکذیب مدعی رؤیت
۱۸۴	بررسی اخبار دال بر عدم امکان رؤیت امام زمان <small>علیه السلام</small> در زمان غیبت

در عصر امامت امام عصر علیه السلام، شاید هیچ امری به دشواری و حساسیت غیبت آن حضرت، ابزار آزمایش شیعیان و مؤمنان نبوده باشد. به علاوه، هر چند غیبت خلفای الهی، در امت‌های پیشین، سابقه‌ای دیرین دارد، اما طولانی شدن آن در امت اسلام (تا حدود ۱۲ قرن) زمینه پیدایش ابهامات و اشکالات فراوانی شده است.

غیبت امام علیه السلام از جهات مختلف در معرض آراء و نظریات متفاوت و بعضاً متعارض قرار گرفته است. اولین مسأله مورد بحث عبارت است از: «چگونگی ارتباط با آن حضرت در زمان غیبت کبری و نیز طریق بهره‌وری از وجود مقدس ایشان در این دوران». در این مورد دیدگاه‌های ضدّ و نقیضی نسبت به امکان تشرّف به محضر امام غایب علیه السلام وجود دارد که باید به طور مستدل مورد بحث و بررسی قرار گیرند و مشرب صحیح در این میان شناخته شود.

این حلقه اختصاص به معنا و مفهوم غیبت و چگونگی ارتباط با امام غایب دارد که در ۶ فصل تنظیم شده است. در ضمن این فصول، درباره شوق دیدار امام زمان علیه السلام و امکان وقوع آن در عصر غیبت کبری مباحث مهمی مطرح شده و حجّیت تشرّفاتی که از طرق گوناگون مورد ادّعا قرار گرفته، بررسی شده است. درباره بهره‌وری شیعیان خاصّ آن حضرت از خورشید وجود ایشان نیز در همین حلقه سخن گفته‌ایم.



# فصل ۱

## سابقه غیبت خلیفه الهی در زمین

### درس اول: غیبت حجت‌های پیشین

غیبت خلیفه الهی در زمین، پدیده نوظهور و بی سابقه‌ای نیست که تنها در امت اسلام رخ داده باشد. بلکه این امر پیشینه‌ای بس دیرینه در امت‌های گذشته داشته است. در اینجا به چند نمونه از این دست اشاره می‌کنیم تا اصل وجود غیبت خلیفه خداوند و نحوه آن، بیشتر مورد توجه قرار بگیرد.

### غیبت حضرت ادریس علیه السلام

خبر غیبت حضرت ادریس علیه السلام در حدیث مفصّلی - به نقل از حضرت باقر العلوم علیه السلام - بیان شده است<sup>۱</sup>. مطابق این حدیث شریف

---

۱ - رجوع شود به: کتاب «کمال الدین و تمام النعمة»، باب ۱، «فی غیبة ادریس النبی علیه السلام».





اعْلَمُوا أَنَّهُ سَتَكُونُ مِنْ بَعْدِي غَيِّبَةٌ تَظْهَرُ فِيهَا الطَّوَاغِيْتُ وَ أَنَّ  
اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُفْرَجُ عَنْكُمْ بِالْقَائِمِ مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ هُودٌ...  
يُشْبِهُنِي فِي خَلْقِي وَ خَلْقِي ... فَلَمْ يَزَالُوا يَتَرَقَّبُونَ هُوداً وَ  
يَنْتَظِرُونَ ظُهُورَهُ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ وَ قَسَتْ قُلُوبُ  
أَكْثَرِهِمْ فَأَظْهَرَ اللَّهُ - تَعَالَى ذِكْرَهُ - نَبِيَّهُ هُوداً عِنْدَ الْبِأْسِ مِنْهُمْ وَ  
تَنَاهَى الْبَلَاءَ بِهِمْ<sup>۱</sup>.

بدانید که پس از من غیبتی خواهد بود که در آن طاغوتها ظاهر  
خواهند شد و خدای عزوجل به وجود قیام کننده‌ای از فرزندان  
من - به نام هود - فرج شما را می‌رساند... او در شمایل و اخلاق  
شبیبه من است... پس آنها پیوسته چشم به راه هود و منتظر  
ظهورش بودند تا آنکه مدّت (این غیبت و انتظار) به درازا کشید و  
دل‌های بیشتر ایشان سخت [و سنگ] گردید، در این هنگام  
خدای متعال پیامبرش هود را ظاهر ساخت در حالی که آنها - از  
فرج - ناامید و در نهایت گرفتاری بودند.

چند نکته در این حدیث شریف، قابل توجه و تأمل است:

یکی اینکه حضرت نوح علیه السلام فرمود: پس از من غیبتی خواهد بود، اما  
حضور خلیفه الهی در زمین را نفی نکرد.

می‌دانیم که مطابق سنت دیرین الهی همیشه بر پهنه زمین، خلیفه‌ای  
از جانب خداوند وجود دارد، اما این خلیفه ممکن است آشکار و  
شناخته شده نباشد بلکه ناشناخته و پنهان باشد.<sup>۲</sup> به همین جهت،

۱ - کمال الدین، باب ۲، ح ۳.

۲ - احادیث مربوط به این بحث در کتاب «کمال الدین و تمام النعمه» باب ۲۲ به  
تفصیل ذکر شده است.

حضرت ادریس علیه السلام به امر خداوند بیست سال از قوم خود در پنهانی به  
سر برد. قبل از پنهان شدن، شیعیان خود را که بیست نفر بودند، جمع  
کرد و به ایشان دستور داد تا در جاهای مختلف پخش شوند. آنها نیز  
چنین کردند و خود آن حضرت هم در غاری بر فراز کوه بلندی پناه  
گرفت.

پس از گذشت این مدّت، مجبور شد برای کسب روزی از محلّ  
پنهانی‌اش خارج شود و به صورت ناشناس به قریه‌ای وارد گردد.  
تقدیرات الهی بالأخره او را از ناشناخته بودن خارج کرد و با ظهور  
ایشان، نعمت بارش باران که در طول این مدّت از قوم آن حضرت دریغ  
شده بود، دوباره به آنها عطا شد.

غیبت حضرت ادریس علیه السلام از آنجا آغاز شد که پادشاه جبّار آن  
زمان، ایشان را تهدید به قتل نمود. همین، انگیزه غیبت آن حضرت به  
امر الهی بود و بر اثر این غیبت طولانی، همه مردم - حتی شیعیان  
ایشان - به نهایت سختی و مشقت گرفتار شدند. هر دو موضوع - هم  
انگیزه غیبت و هم گرفتاری سخت شیعیان به خاطر طولانی شدن  
غیبت - در مورد غیبت امام عصر علیه السلام نیز تکرار شده است.

### غیبت خلیفه (یا خلفای) الهی پس از حضرت نوح علیه السلام

مصادق دیگر برای غیبت خلیفه الهی پس از وفات حضرت نوح علیه السلام  
اتفاق افتاد. مطابق حدیثی که از امام صادق علیه السلام نقل شده است، آن  
حضرت در هنگام وفات خود شیعیانش را جمع کرد و خطاب به آنها  
فرمود:

حضرت در نزدیکی خود، بی خبر بودند. همچنین برادران یوسف علیه السلام حتی در هنگام روبه روشن شدن با آن حضرت، ایشان را نشناختند و تا خود را معرفی نمود، ایشان را به جانیاوردند. امام صادق علیه السلام در بیان شباهت حضرت صاحب الامر علیه السلام با جناب یوسف علیه السلام می فرماید:

إِنَّ فِي صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ شَبَهًا مِنْ يُوسُفَ علیه السلام ... إِنَّ إِخْوَةَ يُوسُفَ علیه السلام كَانُوا أَسْبَاطًا أَوْلَادَ الْأَنْبِيَاءِ تَاجَرُوا بِيُوسُفَ وَ بَايَعُوهُ وَ خَاطَبُوهُ وَ هُمْ إِخْوَتُهُ وَ هُوَ أَخُوهُمْ فَلَمْ يَعْرِفُوهُ حَتَّى قَالَ: أَنَا يُوسُفَ وَ هَذَا أَخِي فَمَا تُنْكِرُ هَذِهِ الْأُمَّةَ الْمَلْعُونَةَ أَنْ يَفْعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِحُجَّتِهِ فِي وَقْتٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ كَمَا فَعَلَ بِيُوسُفَ. إِنَّ يُوسُفَ علیه السلام كَانَ إِلَيْهِ مُلْكٌ مِصْرَ وَ كَانَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ وَالِدِهِ مَسِيرَةَ ثَمَانِيَةِ عَشَرَ يَوْمًا فَلَوْ أَرَادَ أَنْ يُعْلِمَهُ لَقَدَرَ عَلَى ذَلِكَ، لَقَدْ سَارَ يَعْقُوبُ علیه السلام وَ وُلْدُهُ عِنْدَ الْبِشَارَةِ تِسْعَةَ أَيَّامٍ مِنْ بَدْوِهِمْ إِلَى مِصْرَ فَمَا تُنْكِرُ هَذِهِ الْأُمَّةَ أَنْ يَفْعَلَ اللَّهُ جَلَّ وَ عَزَّ بِحُجَّتِهِ كَمَا فَعَلَ بِيُوسُفَ أَنْ يَمْسِيَ فِي أَسْوَاقِهِمْ وَ يَطَّأُ بُسْطَهُمْ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ فِي ذَلِكَ لَهُ كَمَا أَذِنَ لِيُوسُفَ قَالُوا: أَيْنَكَ لَأَنْتَ يُوسُفَ؟ قَالَ: أَنَا يُوسُفَ.<sup>۱</sup>

حضرت صاحب الامر علیه السلام شباهتی با جناب یوسف علیه السلام دارند... همانا برادران یوسف نوادگان و فرزندان پیامبران بودند، با او تجارت و معامله کردند و سخن گفتند در حالی که برادرانش بودند و او هم برادر آنها بود، اما او را نشناختند تا آنکه خودش گفت:

حضرت نوح علیه السلام به غیبت حجت یا حجت های الهی پس از خود اشاره فرمود، بدون آنکه هیچ نام و نشانی از آنها بیان فرماید.

نکته دوم اینکه حضرت نوح علیه السلام یکی از فرزندان خود را به نام و نشان معرفی کرد و از او به عنوان «قائم» یاد نمود و وعده داد که فرج شیعیان به ظهور ایشان خواهد بود.

سوم اینکه دوران انتظار فرج شیعیان حضرت نوح علیه السلام به درازا کشید تا آنجا که بیشتر آنها به قساوت قلب گرفتار شدند.

چهارم اینکه خدای متعال، حضرت هود علیه السلام را در زمانی ظاهر فرمود که شیعیان از فرج، ناامید و در نهایت سختی و گرفتاری بودند.

هر چهار ویژگی در مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و غیبت فرزند ایشان - حضرت قائم علیه السلام - تکرار شده است که هر کدام باید در محل خود به تفصیل بیان شود.

### غیبت حضرت یوسف علیه السلام

یکی دیگر از انبیای الهی که به امر خداوند از قوم خود - حتی پدر و برادرانش - غیبت داشت، حضرت یوسف علیه السلام بود.

ایشان سه روز در چاه، چند سالی در زندان و سالهایی هم در کسوت پادشاهی به سر برد که مجموع این ایام بیست سال می شود.<sup>۱</sup> فاصله مکانی حضرت یوسف علیه السلام - در زمان سلطنتش بر مصر - با پدرش حضرت یعقوب علیه السلام، مسیری بود که طی کردن آن در آن روزگار تنها هجده روز طول می کشید. با این حال پدر و برادران ایشان از حضور آن

۱ - کمال الدین، ابتدای باب ۵.

۱ - اصول کافی، کتاب الحجّة، باب فی الغیبة، ح ۴.

یعقوب علیه السلام و سایر فرزندان از این نزدیکی مکانی - بر اساس علم عادی بشری - مطلع نبودند. بنابراین، غیبت به معنای پنهان بودن محل اقامت حضرت یوسف علیه السلام از خانواده اش بود.

صورت دوم غیبت حضرت یوسف علیه السلام به این شکل بود که ایشان با مردم - از جمله برادرانش - ملاقات داشت و با آنها صحبت کرد، آنها هم با او صحبت کردند، همچنین بایکدیگر خرید و فروش داشتند. اما تا آن حضرت، خویش را به آنها معرفی نکرد، هیچ کدام از برادران، ایشان را نشناختند. پس یکی از معانی غیبت این است که فرد غایب دیده می شود، اما شناخته نمی شود.

مقایسه و تشبیهی که در فرمایش امام صادق علیه السلام بین حضرت یوسف علیه السلام و امام عصر علیه السلام شده است، نشان می دهد که هر دو صورت غیبت در مورد حضرت صاحب الامر عجل الله فرجه وجود دارد و این امر، جای هیچ گونه ایراد و انکاری ندارد. ائمت نفرین شده ای که امام صادق علیه السلام اشاره فرموده اند، همان کسانی هستند که خود را مسلمان و پیرو قرآن و سنت نبوی می شمارند، اما با وجود چنین غیبتی در حضرت یوسف علیه السلام، نظیر آن را در مورد حضرت مهدی علیه السلام نمی پذیرند. اینها همان کسانی هستند که هر چند اصل وجود مصلحی از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله را در آخر الزمان قبول دارند، اما تولد او را از امام حسن عسکری علیه السلام منکر شده اند؛ چون غیبت آن حضرت را در این زمان طولانی نمی پذیرند. متأسفانه اکثریت مسلمانان با اینکه به اصل مهدویت معتقدند، ولی جزء همین گروه منکران غیبت می باشند.

«من یوسف هستم و این برادر من است.» پس چرا این امت دور از رحمت الهی انکار می کنند که خدای عزوجل زمانی با حجت خویش همان کند که با یوسف کرد؟ همانا جناب یوسف پادشاه مصر بود و فاصله میان او و پدرش مسیر هجده روز راه بود، پس اگر (خداوند) می خواست پدر او را از این امر آگاه کند، می توانست (که البته چنین نکرد). وقتی بشارت یوسف به حضرت یعقوب و فرزندان رسید، از محل خودشان تا مصر را در نه روز (یعنی نصف مدت معمول) طی کردند. پس به خاطر چه این امت انکار می کنند که خدای عزوجل با حجت خود همان کند که با یوسف علیه السلام کرد، به گونه ای که در بازارهای آنها راه رود و روی فرش هایشان پا بگذارد (بدون اینکه شناخته شود) تا اینکه خداوند در این امر (معرفی خودش) به او اجازه دهد، همان گونه که به یوسف علیه السلام اجازه معرفی داد؟ آنها گفتند: «آیا واقعاً تو خودت یوسف هستی؟» گفت: «من یوسف هستم.»

این حدیث شریف را مرحوم شیخ صدوق نیز در کتاب خود با مختصر اختلافی در عبارت نقل کرده است. در نقل ایشان پس از جمله «يَطَأُ بُسُطَهُمْ» تصریح شده است که: «وَهُمْ لَا يَعْرِفُونَهُ» یعنی در حالی که او را نمی شناختند.

طبق این حدیث شریف، دو نحوه غیبت برای حضرت یوسف علیه السلام وجود داشته است: یکی دور بودن ایشان از پدر و سایر اعضای خانواده اش که هر چند فاصله مکانی بین آنها زیاد نبود، اما حضرت



حجّت یا حجّت‌های الهی خالی نمی‌ماند، پس در طول این چهار صد سال، این حجّت‌ها ناشناخته بودند و از همین جهت، تعبیر غیبت در مورد ایشان به کار رفته است.

### غیبت حضرت موسی علیه السلام

یکی دیگر از انبیای بزرگ الهی که از قوم خود غیبت اختیار کرد، حضرت موسی علیه السلام - از پیامبران اولوالعزم الهی - بود. طبق حدیث منقول از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم پس از ولادت حضرت موسی علیه السلام بنی اسرائیل که از چهار صد سال پیش، انتظار ظهور قائم را می‌کشیدند، موفق به زیارت آن حضرت در سنّ جوانی شدند و در پیشگاه الهی سجده شکر به جا آوردند. در این ملاقات زودگذر، موسی علیه السلام فقط یک جمله به ایشان گفت و سپس از دیدگان ایشان غایب شد. متن فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این خصوص چنین است:

... قال: أَرْجُو أَنْ يُعَجِّلَ اللَّهُ فَرَجَكُمْ ثُمَّ غَابَ بَعْدَ ذَلِكَ وَخَرَجَ إِلَى مَدِينَةِ مَدْيَنَ فَأَقَامَ عِنْدَ شُعَيْبٍ مَا أَقَامَ فَكَانَتِ الْغَيْبَةُ الثَّانِيَةَ أَشَدَّ عَلَيْهِمْ مِنَ الْأُولَى وَكَانَتْ نَيْفًا وَخَمْسِينَ سَنَةً وَاشْتَدَّتْ الْبُلُوبُ عَلَيْهِمْ...<sup>۱</sup>

(موسی علیه السلام) فرمود: امیدوارم خداوند فرج شما را جلو اندازد،

۱ - کمال الدین، باب ۶، ح ۱. روشن است که این حدیث منافاتی با این مطلب ندارد که اقامت حضرت موسی علیه السلام نزد حضرت شعیب علیه السلام هشت یا ده سال باشد. زیرا در این حدیث مدت غیبت ایشان را پنجاه و چند سال دانسته است و مدت غیبت ایشان می‌تواند بیشتر از مدت اقامت ایشان پیش حضرت شعیب علیه السلام باشد.

### غیبت خلفای الهی پیش از ظهور حضرت موسی علیه السلام

برخی دیگر از حجّت‌های الهی که به امر پروردگار از امت خویش غیبت اختیار کردند، خلفای قبل از حضرت موسی علیه السلام بودند. مطابق حدیثی که حضرت زین العابدین علیه السلام از جدّ بزرگوار خود - نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم - نقل فرموده‌اند: «حضرت یوسف علیه السلام در هنگام وفات، شیعیان و اهل بیت خود را جمع کرد و آنها را از سختی‌هایی که پس از او خواهند دید، مطلع ساخت. به آنها خبر داد که مردانشان کشته می‌شوند، شکم‌های زنان باردارشان را پاره می‌کنند و کودانشان را سر خواهند برید و این گرفتاری‌ها ادامه خواهد داشت تا زمانی که خداوند، قیام‌کننده‌ای از فرزندان «لاوی بن یعقوب» را آشکار کند، سپس ویژگی‌های ظاهری آن قائم را برای ایشان بیان نمود، آنها هم به همین وصیّت تمسک نمودند». آنگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ وَالشَّدَّةُ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ وَهُمْ مُتَتَّظِرُونَ قِيَامَ الْقَائِمِ علیه السلام أَرْبَعَ مِائَةِ سَنَةٍ حَتَّى إِذَا بُشِّرُوا بِوِلَادَتِهِ...<sup>۱</sup>

غیبت (حجّت‌های الهی) و سختی بر بنی اسرائیل واقع شد، در حالی که آنها چهار صد سال را در انتظار قیام قائم علیه السلام سپری کردند، تا آنکه به ولادت او بشارت داده شدند....

ملاحظه می‌شود که در این فرمایش، تصریح به وقوع غیبت کرده‌اند. این غیبت مربوط به خلفای الهی قبل از حضرت موسی علیه السلام می‌شود که برای مردم شناخته شده نبودند. از آنجاکه هیچ‌گاه زمین از

۱ - کمال الدین، باب ۶، ح ۱.

نمی‌کردند و لذا کاملاً از او بی‌اطلاع بودند.<sup>۱</sup> احادیث و اخبار مربوط به حضرت موسی علیه السلام نشان می‌دهد که در این مدت، عموم مردم اگر هم ایشان را می‌دیدند، نمی‌شناختند. بنابراین حضرت موسی علیه السلام علاوه بر داشتن اصل دو غیبت - یکی کمتر و دیگری طولانی‌تر - از جهت نحوه غیبت نیز دو تجربه داشته است: یکی نبودن در میان مردم و خارج بودن از شهر و دیار آنها و دوم ناشناخته بودن در عین سکونت در همان شهر و احیاناً رفت و آمد بین مردم. هر دو صورت غیبت، در مورد امام عصر علیه السلام نیز امکان‌پذیر است.

سپس غایب شد و به شهر مدین رفت و مدت اقامتش را در آنجا ماند. غیبت دوم برای آنها از اولی سخت‌تر بود و پنجاه و چند سال طول کشید و (در این مدت) گرفتاری آنها شدت یافت.... بنابراین حضرت موسی علیه السلام از زمان تولد، دو غیبت داشت. بنی اسرائیل که از ولادت ایشان خبر داشتند، از دیدار ش محروم بودند، تا آنکه به صورت ظاهراً اتفاقی، ایشان را در سن جوانی زیارت کردند. اما این ملاقات طولی نکشید و آن حضرت بلافاصله برای بار دوم از دیدگان آنها غایب شد. این غیبت دوم، هم طولانی‌تر از اولی بود و هم بر بنی اسرائیل سخت‌تر و شدیدتر گذشت. به این ترتیب می‌توان گفت که از جهت غیبت (به خصوص تحقق دو غیبت) بین حضرت موسی علیه السلام و امام عصر علیه السلام شباهت وجود دارد. امام صادق علیه السلام در بیان این وجه شباهت فرمودند:

فِي الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ سُنَّةٌ مِنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... خِفَاءً مَوْلِدِهِ وَ غَيْبَةً عَنْ قَوْمِهِ.

در امام قائم علیه السلام سنتی از حضرت موسی بن عمران علیه السلام است: پنهانی ولادتش و پنهانی از قومش.

سپس راوی سؤال نمود که غیبت حضرت موسی علیه السلام چقدر طول کشید؟ حضرت فرمودند: «بیست و هشت سال».<sup>۱</sup>

این بیست و هشت سال، به اولین غیبت ایشان مربوط می‌شود که بنی اسرائیل در این فاصله سراغ ایشان را می‌گرفتند، اما خبری پیدا

